

شناخت علل و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در جوامع



مهدی اسدزاده، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

همیشه در طول تاریخ با وجود تعدد قوانین در کشورها، در موضوعات مختلف شاهد قانون‌گریزی هستیم. این مقاله عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی را مورد بررسی قرار می‌دهد و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به شناخت مفاهیم قانون‌گریزی پرداخته است و نتایج آن نشان می‌دهد که قانون‌گریزی دلایل متعدد دارد؛ مهم‌ترین انگیزه قانون‌گریزی ضعف اعتقادی و پس از آن ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل به آن می‌باشد؛ لازم به ذکر است نبود قوانین پویا نیز باعث قانون‌گریزی می‌شود و بیشتر کسانی که قانون‌گریز هستند پس از محاسبه سود و زیان جرم براساس قانون، مرتکب قانون‌گریزی می‌شوند. با توجه به عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی مشخص گردید که قانون‌گریزی و عدم التزام افراد جامعه به قانون موجب افزایش جرایم و به تبع آن پایین آمدن امنیت اجتماعی در جامعه خواهد شد. واژگان کلیدی: قانون، قانون‌گریزی، امنیت، امنیت اجتماعی



درآمد

با نگاهی به آفرینش پروردگار متعال درمی‌یابیم که تمام هستی با قوانین الهی اداره می‌شود؛ و این قوانین الهی باعث به وجود آمدن نظم بی‌مثال در جهان هستی شده است. این قوانین پروردگار بر اساس عدل الهی استوار است، از این رو می‌توان به نقش قوانین در جامعه پی برد؛ و چون قانون یک پدیده اجتماعی می‌باشد و انسان‌ها نیز به صورت اجتماعی زندگی می‌کنند، لذا قانون از افراد جامعه آغاز می‌شود و اگر اجرای قانون در جامعه رعایت شود، تأثیرات مثبتی را بر افراد جامعه خواهد گذاشت و اگر افراد جامعه به قوانین و مقررات حاکم بر جامعه احترام بگذارند، ما شاهد قانون‌گرایی در جامعه خواهیم بود. ولی اگر افراد جامعه با قوانین مخالفت کنند؛ درواقع به حقوق دیگران تجاوز می‌کنند و مرتکب قانون‌گریزی در جامعه می‌شوند و این ناهنجاری می‌تواند جامعه را به التهاب و آشوب بکشاند. در جامعه امروزی که پیشرفت و توسعه مستلزم رعایت قوانین می‌باشد، قانون‌گریزی باعث خواهد شد تا امور مختل و جامعه از مسیر توسعه و حرکت بازماند.

جامعه‌شناسان قانون را مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور و کلی می‌نامند که به منظور ایجاد نظم و استقرار امنیت و عدالت و تنظیم مناسبات اجتماعی وضع شده است و ضمانت اجرای آن را نهاد و دستگاه سیاسی یک کشور تحت عنوان دولت به عهده گرفته است. در فرهنگ معین، قانون چنین تعریف شده است: «قانون قاعده‌ای است که مقامات صلاحیت‌دار وضع و ابلاغ کنند و آن مبنی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با مصلحت مردم است و همه افراد مملکت باید از آن تبعیت کنند» (معین، ۱۳۶۷: ۲۶-۲۷). قانون‌گریزی نیز نوعی جهت‌گیری نسبت

به هنجارهای قانونی جامعه است که منجر به کج‌روی یا انحراف از قوانین می‌شود. در همه جوامع، قانون‌گریزی به عنوان یک مسئله اجتماعی وجود دارد. قانون‌گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد (علی بابایی، فیروزجانی، ۱۳۸۸: ۳۸۵) با توجه به اینکه همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که همیشه قوانین را نادیده می‌گیرند؛ بنابراین قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و...) تا قانون‌گریزی گهگاه، غیرخشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را دربرمی‌گیرد. به قانون‌گریزی نوع اول، قانون‌گریزی سخت و به قانون‌گریزی نوع دوم، قانون‌گریزی نرم می‌گوییم (همان: ۱۲).

۱- اقسام قانون‌گریزی

اگر قانون‌گریزی را شکلی از رفتار نظام تلقی کنیم، در این صورت تحلیل چنین رفتاری را می‌توان به شیوه کلمن «تحلیل درونی رفتار سیستم» نامید (کلمن، ۱۳۷۷). در این شیوه، «تبیین رفتار نظام‌های اجتماعی مستلزم بررسی فرآیندهای درونی نظام است که اجزای تشکیل دهنده یا واحدهای آن را در سطحی پایین‌تر از سطح نظام دربرمی‌گیرد». بر اساس چنین تحلیلی، قانون‌گریزی را می‌توان به سه دسته زیر تقسیم کرد:

۱-۱- قانون‌گریزی ابزاری

در قانون‌گریزی ابزاری، کنشگر در موقعیت کنش به محاسبه سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می‌پردازد و به این نکته آگاه می‌شود که کنش غیرقانونی در مجموع سود بیشتری برای او در بر دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است.

۲-۱- قانون‌گریزی اعتراضی

چهارم، تعهد هنجاری به قانون مبتنی بر اخلاق شخصی باشد. در این حالت، مبنای اطاعت شخصی از قانون، ارزیابی وی از قانون به عنوان امری درست و منصفانه است. تعهد هنجاری از طریق مشروعیت هم به اطاعت از قانون منجر می‌شود. در این حالت شخص احساس می‌کند که صاحبان اقتدار یا کسانی که قانون را وضع و حفظ می‌کنند حق مشروع اعمال زور و رفتار قانونی را دارند. در قانون‌گریزی اعتراضی عدم مشروعیت قانون و نهادها و مجریان آن مبنای جهت‌گیری قانون‌گريزانه را شکل می‌دهد. در این حالت، هنجارها و الزام‌های مقاوم شده درونی اطاعت از بین می‌روند.

۳-۱- قانون‌گریزی اخلاقی

قانون‌گرایی اخلاقی وضعیتی است که در آن شخص به قوانین عمل می‌کند؛ چون با ارزش‌های اخلاقی و درونی وی همخوانی دارد؛ اما ممکن است دست به اعمالی بزند که علی‌رغم پیوستگی‌اش با ارزش‌های درونی وی با ارزش‌های جمعی همخوانی نداشته باشد؛ اما در این حالت، شخص عاقدانه نسبت به قوانین حاکم یا هنجارهای اجتماعی موضع نمی‌گیرد. او صرفاً بر اساس آنچه خود درست می‌پندارد عمل می‌کند. در این وضعیت، از نظر عامل، کنش حاصل از چنین جهت‌گیری قانون‌گريزانه نیست، بلکه عمل فقط از نظر ناظر عمل قانون‌گریزی محسوب می‌شود.

۲- عوامل فردی مؤثر بر قانون‌گریزی

۱-۲- بعد جسمانی

۱-۱-۲- عوامل زمینه‌ای

الف- میزان سن

یکی از عوامل تأثیرگذار بر قانون‌گریزی متغیر سن است. «در حقیقت بین سن و قانون‌گریزی رابطه معناداری در تحقیقات مختلف مشاهده می‌شود، به این معنا

که گروه‌های کم سن و سال یا نوجوانان و جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی رفتارهای نابهنجار دارند یا از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تخطی می‌کنند. در حقیقت هر چه سن افراد بالاتر می‌رود قانون‌گریزی آنها کمتر می‌شود؛ به تعبیر دیگر، با بالا رفتن سن، افراد قانون‌مدارتر می‌شوند. در بیشتر پژوهش‌های انجام شده، این رابطه تأیید شده است؛ برای مثال در تحقیقی زمینه قانون‌گریزی در رانندگی بررسی شده است که در آن سن بر قانون‌گریزی در رانندگی مؤثر است، به این معنا که افراد بزرگسال بیش از گروه‌های سنی پایین به قوانین احترام می‌گذارند» (علی بابایی، فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۰).

ب- جنسیت

از عوامل مؤثر دیگر بر قانون‌گریزی می‌توان به متغیر جنسیت اشاره نمود. «یکی از متغیرهای کلیدی که تقریباً در بیشتر تحقیقات مورد سنجش قرار می‌گیرد جنسیت است. در مورد رفتار انحرافی نیز متغیر جنسیت مورد سنجش قرار گرفته است. آیا مردان بیشتر از زنان قانون‌گریزند یا در فراوانی رفتار انحرافی، فرقی بین زنان و مردان وجود ندارد و تنها در شدت بزهکاری است که به ظاهر، مردان در انحرافات شدیدتری درگیر می‌شوند. به هر حال از میان تحقیقات مورد بررسی تنها یک مورد پایبندی مردان به هنجار اجتماعی بیشتر از زنان ارزیابی شده است، به این معنا که قانون‌گرایی و قانون‌پذیری در بین مردان بیشتر از زنان بوده است (افشاری، ۱۳۷۸: ۴۲). با نگاهی به فعالیت‌های زنان در جامعه می‌توان به این نتیجه رسید که غالباً فعالیت‌های اجتماعی که توسط زنان در اجتماع انجام می‌شود؛ به مراتب با دقت و حوصله مضاعف نسبت به فعالیت‌های مشابه توسط مردان صورت

می‌گیرد. به عنوان مثال رانندگی با وسایل نقلیه توسط زنان در جامعه با دقت و احتیاط بیشتری نسبت به مردان انجام می‌گیرد و این نشان‌دهنده قانون‌پذیر بودن زنان در اغلب موارد نسبت به مردان می‌باشد.

پ- وضعیت تأهل

در تحقیقات انجام یافته عامل تأهل نیز به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر قانون‌گریزی در نظر گرفته شده است که طبق این تحقیقات، می‌توان گفت که افراد متأهل نسبت به افراد مجرد قانون‌پذیرتر می‌باشند. «در مورد تأثیر وضعیت تأهل بر قانون‌گریزی نیز باید گفت که افراد متأهل نسبت به مجردها بیشتر به قانون احترام می‌گذارند و به آن پایبندند. به هر روی با توجه به نتایجی که در رابطه بین رده‌های سنی و اطاعت از قانون به دست آمده باید گفت که مجردها با توجه به اینکه در سنین جوانی به سر می‌برند بیشتر از افراد متأهل قانون‌گریزند. تأثیر وضعیت تأهل بر قانون‌گریزی را می‌توان بر اساس اصل پیوند اجتماعی توضیح داد» (صداقت، ۱۳۸۴: ۳۸)؛ بنابراین هر چه پیوند اجتماعی افراد با جامعه بیشتر باشد اطاعت از قانون نیز بیشتر خواهد بود و افراد مجرد چون پیوند اجتماعی کمتری با جامعه دارند قانون‌گریزی آنان نسبت به افراد متأهل بیشتر است.

ت- وضعیت اشتغال

بر اساس تحقیقات صورت گرفته در رابطه با تأثیرگذاری متغیر اشتغال می‌توان گفت که قانون‌گریزی افراد شاغل در مشاغل دولتی در مقایسه با افراد شاغل در مشاغل آزاد کمتر است. «در مورد رابطه اشتغال و قانون‌گریزی باید گفت آنهایی که شغل دولتی دارند بیشتر از کسانی که شغل آزاد دارند، قانون را رعایت می‌کنند (همان)؛ بنابراین می‌توان این‌طور تحلیل کرد که

افراد شاغل در مشاغل دولتی به علت وجود دستگاه‌های نظارتی که در محل کارشان وجود دارد، نسبت به افراد شاغل در مشاغل آزاد که فاقد اهرم‌های نظارتی در محل کار هستند، قانون‌پذیرترند؛ زیرا افراد شاغل در مشاغل دولتی در صورت سرپیچی از قوانین توسط دستگاه‌های نظارتی مورد بازخواست قرار می‌گیرند، ولی در مشاغل آزاد این‌گونه نیست؛ مثلاً کارمندی که در مشاغل نظامی مشغول خدمت می‌باشد در صورت سرپیچی از قوانین، توسط بازرسی، حفاظت و عقیدتی بازخواست می‌شود و در کمیسیون‌هایی که در این رابطه تشکیل می‌شود، برخورد مناسب صورت می‌گیرد؛ درحالی‌که نسبت به افراد شاغل در مشاغل آزاد هیچ‌گاه چنین نظارتی حاکم نیست.

۲-۱-۲- عامل زیستی

در علم جرم‌شناسی مجموعه علل و عوامل مؤثر بر بزهکاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. از جمله علل فردی همانند علل فیزیولوژیک که نظریات زیست‌شناختی، علت بزهکاری فرد را مورد بررسی قرار داده است. تأثیر زیست‌شناختی وراثت و انتقال خصوصیات جسمانی، عقلانی، هوش والدین و اجداد انسان از دیر زمان موضوع مطالعه روانشناسان و علمای اخلاق بوده است و این موضوع تحت عنوان وراثت عقلی و اخلاقی مورد بررسی واقع شده است. در بین دانشمندان علوم زیستی و وراثت، لمبرزو یکی از پیشگامان این نظریه است. این دانشمند طی آزمایش‌های متعدد و مطالعات طولانی خود راجع به ۳۸۳ جمجمه جنایتکاران ایتالیایی و ۵۹۰۷ بزهکار زنده نتیجه‌گیری کرد که برخی اختلالات بیولوژیکی علت بزه این افراد می‌باشد و بر اساس آزمایش‌هایی که انجام داد، بزهکاری را پدیده جبری دانست و نظریه معروف جانی بالفطره را ارائه نمود.



۲-۱-۳- عامل فطری و درونی

در این بحث به مجموعه عواملی پرداخته می‌شود که مبنای روانی دارند و از طریق نظام شخصیت افراد عمل می‌کنند. «کانت» می‌گوید: دو چیز است که اعجاب انسان را سخت برمی‌انگیزد، یکی آسمان پرستاره‌ای که بالای سر ما قرار دارد و دیگری وجدان و ضمیری است که در درون ما قرار دارد. از دیدگاه اسلام، انسان بر مبنای فطرت الهی خلق شده است و دین اسلام نیز خود مبتنی بر همین فطرت، به وجود آمده است و به همین لحاظ دین باقی و همیشگی است «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سوره روم، آیه ۳۰)؛ «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش خدا نیست؛ این است دین و آیین محکم و استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند». انسان هم در بعد شناختی و هم در بعد قلبی (عاطفی)، دارای خصوصیات فطری می‌باشد و وظیفه افراد در رشد و تربیت کودکان و نوجوانان باید این باشد که رشد در جهت این فطرت صورت گیرد تا انسان به حقیقت خویش برسد، ضمیر آدمی خواستار حفظ خصوصیت کودکانه‌اش در تمام ادوار زندگی است که از قواعد منطق و استدلال فرمان نمی‌برد و به احکام اخلاقی گردن نمی‌نهد و فقط به کام‌جویی و حصول رضایت بیشتر می‌اندیشد. درحالی‌که در اخلاق مذهبی هدف چیرگی بر لذت‌ها، هوس‌ها، خواسته‌ها و در دست گرفتن کنترل آنهاست.

۲-۲- بعد بینشی

۲-۲-۱- تفسیر شخصی نسبت به قانون

از دیگر علل قانون‌گریزی، تفسیرهای مختلفی است که با توجه به وضعیت فکری و فرهنگی و یا انتفاعی افراد از قانون صورت می‌گیرد. یک قانون هنگامی استواری مورد نیاز خویش را در نظر و عمل پیدا می‌کند که از تفسیر شخصی دور بوده و دارای مفهوم واحد در افکار همه افراد جامعه باشد تا مورد سوءاستفاده قرار نگیرد و همچنین عدم آشنایی با قوانین و اهداف آن، باعث می‌شود قانون توسط افراد جامعه تفسیر شخصی شود و در تبعیت از قانون سستی صورت گیرد؛ گاهی هم این تفسیر اشتباه که اگر قانونی از تعیین مجازات برای مجرم بی‌بهره بود، می‌تواند نقض گردد، ولی برخی از قوانین را به دلیل ترس از مجازات نباید مرتکب شد؛ زمینه‌ای را برای عده‌ای فراهم می‌کند تا به راحتی چنین قوانینی را نقض کنند. به عنوان مثال افرادی که به راحتی مرتکب جرم قاچاق کالا و ارز می‌شوند به گمان خود برای امرار معاش زندگی خود، این کار را انجام می‌دهند؛ در حالی‌که با این کار خود چرخ‌های اقتصاد کشور را نشانه رفته‌اند و باعث بیکاری جوانانی شده‌اند که در جای‌جای کشور پهنای ایران در پروژه‌های اقتصادی مشغول فعالیت هستند.

۲-۲-۲- منفعت‌پرستی، غرور کاذب

از ویژگی‌های آدمی، جلب منفعت و دفع ضرر است که در حدود متعارف آن، لازمه زندگی بوده و نشأت گرفته از غریزه «حب ذات» (خویش‌ستن دوستی) است، ولی چنانچه بیش از حد متعارف، انسان گرفتار حرص مال دوستی و یا منفعت‌پرستی شود، دیگر حد و مرزی برای خود نمی‌شناسد و در چنین حالتی است که برای دستیابی به خواسته‌هایش، تمایل به نادیده گرفتن قانون دارد که علت عمده آن وجدان اخلاقی خفته‌ای است که این افراد دارند؛

اما غرور کاذب و افراطی خصلتی است که موجب می‌شود فرد خود را در موضعی بالاتر از قانون و مقررات اجتماعی ببیند و کسانی که صرفاً به خود عشق می‌ورزند، از هرگونه اعمال محدودیت، گریزان‌اند و ولو اینکه این‌گونه محدودیت‌ها، مبنای قانونی و حقوقی داشته باشد. به همین لحاظ برای آنها ارزش قائل نمی‌شود.

۲-۲-۳- بی‌توجهی به فرآیند حق و تکلیف

یک‌سویه دیدن الزامات قانونی، بر عدم تبعیت از قانون نیز بی‌اثر نبوده و از نظر روانی عده‌ای را مکلف به تکلیفی می‌داند که در روی دیگر آن هیچ حقی نهفته نیست، ولی باید توجه داشت که حق و تکلیف، لازم و ملزوم یکدیگرند؛ به عبارت دیگر وقتی قوانین برای ما حقوقی را در نظر گرفته‌اند، تکلیفی هم برای ما مشخص کرده‌اند؛ به عنوان مثال اگر برای برخورد بهتر مأمورین دولتی با شهروندان جامعه حقوق شهروندی وضع گردیده است؛ در جای دیگر با وضع قوانین راهنمایی و رانندگی برای ایجاد نظم و انضباط در سطح جامعه، شهروندان را مکلف به اجرای مفاد قانونی مطروحه در آن کرده است؛ بنابراین بدیهی است که حق و تکلیف رابطه‌ای دوطرفه است.

۳- عوامل اجتماعی مؤثر بر

قانون‌گریزی

۱-۳- بعد تربیتی

۱-۱-۳- ساختار خانواده و ارزش‌های

تربیتی

الف- شیوه تربیت دوران کودکی

شیوه تربیت فرزندان در دوران کودکی تأثیر بسزایی در پایبندی به قوانین و ارزش‌های اسلامی دارد. از آنجا که خطمشی تربیتی برخی افراد در دوران کودکی متأثر از نوعی حمایت و محبت افراطی والدین می‌باشد به‌گونه‌ای که فرزند بیش از میزان نیاز و استحقاق خود از چنین توجهی برخوردار

می‌شود و به مرور زمان از این نوع رفتار والدین، قاعده‌ای ترتیب می‌دهد با این ذهنیت که دیگران نیز همانند والدین باید در خدمت خواسته‌های او باشند، تعمیم چنین قاعده‌ای در زندگی آینده و ارتباط فرد با جامعه، مشکل‌ساز است؛ زیرا به محض ایجاد مشکلات و بحران‌ها و فشارهای زندگی، که در آن امکان تحقق برخی از نیازها سلب می‌شود و یا در شرایطی که خواسته‌های او به افراط می‌گراید و افراد جامعه با آن مخالفت می‌نمایند، وی به دلیل تربیت شدید عاطفی، روحیه عدم درک منطقی شرایط، ناز پروری و بی‌تحملی در برابر مخالفت اقشار جامعه، عصیان و طغیان نموده و همین امر موجب دوری او با قوانین و مقررات اجتماعی می‌شود و سرانجام می‌تواند زمینه قانون‌گریزی را فراهم سازد.

ب- تبعیض رفتاری

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که تبعیض در خانواده و توجه بیشتر والدین به برخی از فرزندان و توجه کمتر نسبت به برخی دیگر، سبب ایجاد عقده خود برتر بینی و احساس نفرت و بدبینی در کودک می‌شود که خود به علت تأثیرات مخرب فراوانی که در روحیه کودکان و نوجوانان دارد، باعث قانون‌شکنی و سرپیچی از مقررات اجتماعی می‌گردد. تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دلسردی آنان از زندگی می‌شوند. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض‌آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود. تبعیض در خانه با

روحیه حساس و عزت نفس فرزندان منافات دارد و خسارات جبران‌ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می‌کند و با ایجاد بحران‌های روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی عکس‌العمل‌های منفی نظیر اعتیاد، سرقت، اعتیاد و فرار از خانه سوق می‌دهد. همان‌طور که تبعیض در توجه به نیازهای عاطفی فرزندان می‌تواند عامل بروز ناهنجاری‌های رفتاری در فرزندان شود، تبعیض در خصوص قرار دادن امکانات مورد نیاز فرزندان نیز می‌تواند زمینه بروز ناهنجاری‌های رفتاری در آنان شود.

از عوامل مؤثر اجتماعی بر قانون‌گریزی افراد، عدم آگاهی آنان از قوانین است. افرادی که قانون را با آگاهی پذیرفته‌اند به میزان نسبتاً بالایی آن را در عمل رعایت می‌کنند. هر چه آمار افرادی که قوانین را می‌فهمند و به آن دسترسی دارند بیشتر باشد به همان نسبت از میزان جرایم کاسته می‌شود؛ به این دلیل که نادانی و دودلی نسبت به اجرای مجازات‌ها به امیال و هوس‌ها میدان می‌دهد و باعث رواج تدریجی قانون‌شکنی در جامعه می‌شود.

پ- خشونت رفتاری

رفتار خشونت‌آمیز خانواده پيامدهای نامناسبی در تربیت کودکان بر جای خواهد گذاشت. به عقیده بسیاری از روان‌شناسان ریشه اصلی خشونت‌ها، قانون‌شکنی‌ها، انحرافات و جنایات در جامعه، اعمال خشونت و تنبیهات بدنی

است که والدین در مورد فرزندان اعمال می‌دارند و این باعث ایجاد عقده‌های روانی در آنان می‌شود. بهتر است در مواجهه با رفتار نادرست از سوی کودکان به جای خشونت و تنبیهات بدنی نسبت به آنان از شیوه‌های روانشناسی استفاده نمود. به عنوان مثال از بی‌توجهی موقتی در برابر کارهای ناشایست فرزندان و یا از ابزارهای تشویقی و تنبیهی متناسب با توجه به سن و روحیه فرزندان استفاده نمایند.

ت- محرومیت فرهنگی خانوادگی

خانواده‌های ایستا و یا خانواده‌هایی که سیر قهقروایی طی می‌کنند، فرزندان خود را بدبین، غیراجتماعی و بالاخره عصیانگر بار می‌آورند، خانواده‌هایی که با زمان پیش نمی‌روند و انتظار دارند فرزندان آنان نیز با راه و رسم قدیمی و کهنه زندگی را ادامه دهند، موجبات ناسازگاری روانی فرزندان با جامعه را فراهم می‌آورند. از آنجا که اغلب افراد جامعه با مقتضیات زمان پیش می‌روند، برخی افراد قادر به تطبیق دادن خود با آن شرایط نیستند. این امر باعث بروز ناسازگاری آنان با احاد جامعه و نتیجتاً قانون‌گریزی در اجتماع می‌شود.

ث- طلاق و اختلاف خانوادگی

گسستگی خانواده تأثیری مسلم و قطعی در بروز رفتار ضداجتماعی در کودکان دارد. جدایی کودک از والدین به خصوص مادر موجب عدم توانایی در برقراری رابطه عاطفی سالم و صحیح به هنگام بلوغ می‌شود. نقص بدنی، نازپروردگی کودکان و نوجوانان و کودکان به خود رها شده، یعنی کودکانی که بر اثر جدایی پدر و مادر از یکدیگر یا بر اثر غفلت و بی‌اعتنایی نسبت به تربیت آنان از راهنمایی و تشویق محروم بوده‌اند، مفاهیم نادرستی از جهان می‌یابند و در بزرگسالی دشمن اجتماع می‌شوند، شیوه زندگی آنان سلطه‌پذیری به همراه نیاز به انتقام‌جویی است.



۳-۱-۲- عادت به بی قانونی

اگر مردم کشوری نسبت به یک قانون بی اهمیت شوند و عدم پیروی از آن به صورت یک عادت درآید، به تدریج قبح قانون شکنی از بین رفته و اکثریت تمایلی به اجرای آن قانون پیدا نمی کنند. این امر در مواردی که افراد سرشناس و شناخته شده جامعه قانونی را اجرا نمی کنند نمود بسیار بیشتری پیدا می کند؛ چراکه آنها به نحوی الگوی دیگران شمرده می شوند. گذشته از این، آموزش رعایت قوانین در سنین کودکی به فرزندان می تواند فرهنگ رعایت قانون را در بین اشخاص نهادینه کند. والدین، معلمان و مربیان مدارس نقش بسیار مهمی در این زمینه می توانند داشته باشند. زمانی که بی قانونی در بین مردم عادت شود، به راحتی قوانین جامعه زیر پا گذاشته می شود.

۳-۲- بعد آموزشی و بینشی

۳-۲-۱- فقدان علم و آگاهی به وجود قوانین و مقررات

از عوامل مؤثر اجتماعی دیگر بر قانون گریزی افراد، عدم آگاهی آنان از قوانین است. افرادی که قانون را با آگاهی پذیرفته اند به میزان نسبتاً بالایی آن را در عمل رعایت می کنند. هر چه آمار افرادی که قوانین را می فهمند و به آن دسترسی دارند بیشتر باشد به همان نسبت از میزان جرایم کاسته می شود؛ به این دلیل که نادانی و دودلی نسبت به اجرای مجازات ها به امیال و هوس ها میدان می دهد و باعث رواج تدریجی قانون شکنی در جامعه می شود (سزار، ۱۴۰۰: ۴۷). در وضعیت کنونی چهل به قوانین و مقررات در کشور ما معلول عوامل متعددی است. مهم ترین این عوامل وجود نقیصه و نارسایی در سیستم اطلاع رسانی کشور است. رادیو و

تلویزیون به عنوان پرمخاطب ترین رسانه همگانی باید بخشی از برنامه های خود را به آموزش تعلیم و افزایش سطح آگاهی های حقوقی آحاد جامعه اختصاص دهد.



**ساختار اجتماعی جوامع
هنگامی به سمت نابرابری و
عدم تعادل سوق پیدا می کند
که بر بستری از بی قانونی و
لااقل بی اعتنائی نسبت به
قانون استوار شده باشد؛ یعنی
نطفه شکل گیری نابرابری ها
اصولاً در جایی بسته می شود
که عده ای با نادیده گرفتن
قانون یا با سوءاستفاده از
فرصت هایی که منفذهایی
به ظاهر قانونی در اختیار آنان
می گذارد، سهم دیگران را به
نفع خویش تصاحب می کنند
و با کسب درآمدهای هنگفت،
فرصت های کمیاب بعدی را نیز
نصیب خود می سازند.**



۳-۲-۲- نا آگاهی به تأثیر قانون بر زندگی

در برخی موارد علت قانون گریزی، نا آگاهی از تأثیر قانون بر کیفیت زندگی و روابط انسانی میان آحاد جامعه است؛ به این معنا که فرد آگاهی از این واقعیت ندارد که التزام به قانون، امنیت زندگی انسان ها و از جمله خود او را تأمین نموده و روابط انسانی میان او و دیگران را بهبود و تعالی می بخشد و به همین لحاظ قانون را امری تحمیلی می داند و در برابر آن مقاومت نشان می دهد و اگر در پاره ای موارد به قانون تمکین می کند از سر ناچاری و

ناگزیر بوده و درنهایت، قانون برای چنین فردی، درونی و نهادینه نمی شود. یکی از مواردی که در بررسی ها می توان به آن رسید این است که شهروندان و مردم ما تاکنون اگر هم قانون گرا بوده اند، فایده این قانون مداری را نچشیده اند؛ یعنی آن کسی که قانون شکن تر است کارهایش را با انواع ترفند و حيله و... راحت تر و سریع تر پیش می برد. این شاید یکی از مهم ترین دلایل در حوزه قانون گریزی باشد که احتمالاً خیلی از افراد هم از آن خبر ندارند و در ضمیر ناخودآگاه نهان است؛ به عنوان مثال راننده ای که از چراغ قرمز عبور می کند و سریع تر به مقصد می رسد. نویسندگانی که سرقت ادبی می کنند و اتفاقاً کتابش هم خوب فروش می رود. کارمندی که بدون مجوز غیبت می کند و اتفاقاً کارمند نمونه هم می شود و ... آیا در چنین شرایطی می توان گفت که قانون برای قانون مداران فایده ای داشته است. این قانون بی فایده است و برای همین بی ارزش می شود. سیستم تشویق و تنبیه یکی از مهم ترین انگیزه های انسانی است و برای همین باید افراد قانون مدار حتماً ثمره قانون مداری خود و افراد قانون شکن ثمره عمل خود را در جامعه ببینند.

۴- عوامل فرهنگی مؤثر بر قانون گریزی در جامعه

۴-۱-۴- بعد عینی

۴-۱-۱- استبداد تاریخی در ایران

قانون گریزی و قانون ستیزی در کشور ما ریشه در تاریخ دارد، زمانی که اشغالگران زمامدار بودند، مردم سعی می کردند قوانین را که به هر عنوان توسط زمامداران بر آنها تحمیل می شد، اجرا نکنند. مردم قانون را می شکستند و هزینه هم می دادند تا اینکه شرایط را عوض کنند. مردم علیه ستم



حاکمان قیام می کردند و این قیام در واقع شکستن هنجارهای مربوط به آن حاکم و آن دوره بوده است. بعد از انقلاب اسلامی باز هم می بینیم درجه قانون پذیری کم است؛ و با وجود آنکه حکومت از آن مردم است، باز هم قوانین آن چنان که باید اجرا نمی شود. به نظر می رسد علت آن، تصویری است که مردم در طول تاریخ نسبت به قانون و اجرای آن دارند و نمی توان در مدت کوتاهی آن را از بین برد و تصور جدیدی جای آن گذاشت. در طول هزاران سال قوانین دولتی از سوی مردم و علمای بزرگ، مخالف اسلام و مصالح جامعه قلمداد می شد. حال اگر بخواهیم این تلقی را در اذهان مردم اصلاح کنیم، زمان زیادی لازم است و نمی توانیم آثار هزاران ساله را در چند سال از بین ببریم.

۴-۱-۲- فقر فرهنگی

منظور از فقر فرهنگی به زعم جیمز کلنن عبارت است از نداشتن ارتباط متقابل مستمر با خانواده و نیز منزلت اجتماعی پایین که ناشی از عدم احساس امنیت در کنش متقابل اجتماعی می باشد؛ مانند کم توجهی خانواده، طلاق والدین، اعتیاد والدین، کم سوادی والدین و... (کلنن، ۱۳۷۷: ۲۴۰). در حقیقت فرهنگ فقر، نوع و منش زندگی را متناسب با وضعیت خانواده های فقیر و فقرا تغییر می دهد. وقتی خانواده ای خود را با فقر درگیر می یابد، ناچار است نوع زندگی خود را تا حد زیادی با شرایط فقر هماهنگ کند. این هماهنگی به مرور زمان به صورت عرف و عادت درآمده و برای حذف یا کاهش آن در جامعه تلاش بسیاری لازم است؛ بر این اساس است که کارشناسان بین فقر فرهنگی و شرایط مالی جامعه در ادوار فعلی و گذشته ارتباط قائل اند.

در چنین شرایطی وقتی می گوئیم فقر فرهنگی در ارتباط با قانون گریزی دخالت دارد، می توان این گونه تحلیل کرد که شرایط کلی و عمدتاً مالی زندگی مردم در تاریخ چند صد سال گذشته و امروز باعث به وجود آمدن فرهنگی متناسب با نوعی فقر شده است که این فرهنگ علاقه ای به قانون و رعایت آن ندارد. در این شرایط افراد جامعه اگر از نظر خانوادگی نیز دچار ناهنجاری باشند، بر سر تشخیص اهداف و رسیدن به آن دچار سرگردانی می شوند و به هنجارهایی که در اجتماع وجود دارد، عمل نمی کنند و انگیزه مشارکت در جامعه را از دست می دهند و برای رسیدن به اهداف شخصی خود با صرف هزینه های عمومی از جامعه انتقام می گیرند. به عنوان مثال در سال های گذشته، اگر کسی با توجه به تابلوی ورود ممنوع به داخل خیابان می آمد، با عکس العمل سایرین مواجه می شد، اما این روزها سایرین زمانی که با این پدیده مواجه می شوند، حتی امکان عبور ممنوع فرد خاطی را نیز هموار می کنند و فرد خاطی با جسارت تمام از محل ممنوعه عبور می کند. یا برخی افراد به راحتی در جامعه به تمامیت جسمانی یکدیگر تجاوز می کنند و یا مرتکب فحاشی و ضرب و جرح می شوند، به راحتی بر سر یکدیگر فریاد می زنند و هتاک می کنند.

۴-۱-۳- ویژگی های شخصیتی

ویژگی های شخصیتی افراد نیز از جمله عوامل تأثیرگذار بر قانون گرایی و قانون گریزی افراد است. «ویژگی های شخصیتی جامعه ایرانی که ریشه در فرهنگ دارد، در رفتارهای گریز از قانون تأثیرات عمیقی می گذارد. برخی آن را جزء موانع خاص قانون گرایی در ایران می دانند. دیرپایی نظام تقلب در ایران و فرهنگ

ستایش قدرت و چاپلوسی که از گذشته تاکنون برجای مانده است» (قادری، ۱۳۸۱)؛ «این گونه به نظر می رسد که در جامعه این قانون گریزی است که کارها را راه می اندازد و عموم مردم هم این را پذیرفته اند و جالب اینجاست که این نیز نوعی زرنگی به حساب می آید و افرادی که از راه های مختلف قانون را دور می زنند از طریق تأیید جامعه پاداش می گیرند» (علی بابایی، فیروز جاثین، ۱۳۸۸: ۳۷ - ۳۸)؛ بنابراین می توان به بعضی از اختلالات شخصیتی و رفتاری از قبیل اضطراب، وسواس، افسردگی، خودکم بینی، پرخاشگری، جنون جوانی اشاره کرد که به نحوی در قانون گریزی مؤثر می باشند. معمولاً ویژگی های شخصیتی افراد بزهکار، بی قاعدگی رابطه و ارتباط میان فرد و جامعه و ارتکاب رفتارهای ناهنجار و خلاف مقررات اجتماعی است، ولی معمولاً از نظر مرتکب و عامل آن در اصل و یا در مواقعی خاص، این گونه رفتارها ناپسند شمرده نمی شود.

۴-۱-۴- رسانه ها و وسایل ارتباط

جمعی

رسانه های دیداری، شنیداری و مکتوب می توانند از جمله مؤلفه های در خور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری افراد جامعه به سمت و سوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. بررسی ها نشان داده اند در ظرف چند سال اخیر و در پی ورود برخی مطبوعات زرد (مبتذل، عامه پسند و جنجالی) به عرصه رسانه های کشور و استفاده این نشریات از عناوین جنجالی و هیجانی و همچنین بهره گیری از شخصیت های سینمایی و هنری و درج اخبار بی محتوا و توأم با بزرگنمایی، انعکاس بیش از حد اخبار مربوط به بازیگران سینما



جامعه ارزش‌های خاص گرایانه بیشتری داشته باشند، قانون‌گریزی آنها در جامعه بیشتر خواهد بود.

۴-۲-۳- ناهمخوانی میان فرهنگ و قانون

این اختلاف‌نظر همواره وجود داشته است که آیا فرهنگ مبتنی بر قانون می‌باشد یا این قانون است که باید مبتنی بر فرهنگ باشد؟ کسانی که وظیفه قانون را اصلاح تدریجی فرهنگ می‌دانند از ابتناء فرهنگ بر قانون دفاع می‌کنند. کسانی هم که نادیده گرفتن فرهنگ را معادل شکست قانون می‌دانند، معتقد به استوار شدن قانون بر پایه‌های فرهنگی می‌باشند؛ اما در هر دو حالت از فرهنگ و آداب و رسوم هر جامعه‌ای در تدوین قوانین نباید غفلت ورزید که در غیر این صورت چنین قانونی به دست فراموشی سپرده خواهد شد.

۴-۲-۴- دوری از دین

مذهب، پشتوانه محکم ارزش‌های اخلاقی و انسانی است. اگر انسان باور داشته باشد که کار بد، بد است و کار نیک، نیک؛ هر کدام برای خود پاداش مناسبی دارد؛ عمل نیک به کمال انسان و عمل زشت و خلاف به پستی و ذلالت او دلالت می‌کند و طبق بیان صریح قرآن که خداوند می‌فرماید: «من عمل صالحاً فلنفسه و من اساء فعلیها ثم الی ربکم ترجعون» (سوره جاثیه. آیه ۱۵)؛ «هر کس کار شایسته‌ای به جا آورد، برای خود به جا آورده است؛ و هر کسی که کار بد می‌کند به زیان خود اوست؛ سپس همه شما به سوی پروردگارتان باز گردانده می‌شوید». اگر ایمان پیدا کند که جهان آخرتی وجود دارد و هر شخصی در آنجا به کیفر اعمال خود خواهد رسید و به این باور برسد که قانون حق است، هرگز خلاف نخواهد کرد. در اسلام شاخص

را کسی توبیخ و یا سرزنش نکند ولی در شرایطی خاص ارتکاب چنین عملی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی شود؛ به عنوان مثال، خوردن و آشامیدن در روزهای عادی و حتی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی نمی‌شود، ولی اگر همین عمل در جامعه مذکور و در ماه مبارک رمضان و در ملاء عام صورت گیرد، تخطی از هنجارهای دینی تلقی شده، مجازات سختی هم از نظر دینی و شرعی و هم از نظر اجتماعی در انتظار مرتکب چنین عمل ناپسندی می‌باشد؛ بنابراین معیار دیگر تشخیص رفتارهای نابهنجار و بهنجار در جامعه دینی، تطبیق و سازگاری و یا عدم تطبیق و ناسازگاری با آموزه‌ها و هنجارهای دینی است. اگر عمل و رفتاری با هنجارها و آموزه‌های دینی سازگار باشد، عملی بهنجار و اگر ناسازگار باشد، عملی نابهنجار تلقی می‌شود.

۴-۲-۴- خاص‌گرایی فرهنگی

ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی نیز از جمله عوامل مهم تأثیرگذار بر قانون‌گریزی است. «یکی از خصوصیات فرهنگی جامعه ایرانی شیوع رفتارهای خاص گرایانه چون خانواده‌گرایی، خویشاوند سالاری، دوست سالاری، شبکه‌گرایی و باندگرایی است. در نظر گرفتن ارزش‌های خاص‌گرا به ارزش‌های عام‌گرا در جامعه در بسیاری از مواقع زمینه نقض قوانین را فراهم می‌کند. در تحقیقی که در زمینه قانون‌گریزی انجام شده است، حدود ۳۳ درصد جامعه آماری دارای ارزش‌های خاص‌گرایانه بوده‌اند و در همین تحقیق بین ارزش‌های خاص‌گرا و قانون‌گریزی رابطه اجتماعی و اداری به عنوان سرمایه اجتماعی منفی در افزایش فساد اداری تأثیر مثبت دارد (خلف خانی، ۱۳۸۸: ۲۸). در حقیقت هر چه افراد

و توجه مفرط به اخبار و حوادث، توجه تعداد قابل‌توجهی از نوجوانان و جوانان به مطالب مندرج در آنها جلب شده است. این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه‌های آسیب‌های اجتماعی مختلف شده است. از سوی دیگر، پخش شمار قابل‌توجهی از سریال‌های تلویزیونی، از طریق صدا و سیما و یا شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی با مضامین زندگی‌های مجردگونه غربی توأم با جذابیت، نشاط، رفاه، موفقیت و به طور کلی با تصویرسازی مثبت از این نوع زندگی‌های از هم گسیخته، نقش مؤثری در تقویت انگیزه گریز از قید و بندهای خانوادگی و هنجارها و ارتکاب جرایم اجتماعی ایفا کرده است. نقش رسانه‌های جمعی، به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی‌بندوباری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای‌بندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حائز اهمیت است.

۴-۲-۴- بعد ذهنی

۴-۲-۱- مذهب و اعتقادات مذهبی

در یک جامعه دینی و اسلامی، معیار و ملاک دینی برای تشخیص رفتارهای بهنجار از نابهنجار وجود دارد؛ چراکه معیارهایی که توسط افراد یک جامعه با قطع نظر از نوع اعتقادات، مورد پذیرش واقع می‌شود؛ یعنی افراد جامعه در خصوص ارزش یا هنجاری بودن موضوع خاص توافق نموده، در عمل به آن پایبندند و متخلفان را بسته به نوع و اهمیت هنجار، تنبیه می‌کنند؛ اما در یک جامعه دینی و اسلامی معیارهای فوق برای ارزش‌های اجتماعی است و در آنجا کارایی دارد. معیار تشخیص ارزش‌ها و هنجارهای دینی به وسیله آموزه‌های دینی تعیین می‌شود. ممکن است رفتاری خاص در همان اجتماع هنجار تلقی نشود و مرتکبان

اخلاق، ایمان معرفی شده است که دارای سه رکن نیتی، گفتاری و عملی است.

۵- عوامل اقتصادی مؤثر بر قانون‌گریزی

۱-۵ ساختار اجتماعی نابرابر

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی مردم یک جامعه، عامل ساختار اجتماعی نابرابر است. ساختار اجتماعی جوامع هنگامی به سمت نابرابری و عدم تعادل سوق پیدا می‌کند که بر بستری از بی‌قانونی و لاقابل‌بی‌اعتنایی نسبت به قانون استوار شده باشد؛ یعنی نطفه شکل‌گیری نابرابری‌ها اصولاً در جایی بسته می‌شود که عده‌ای با نادیده گرفتن قانون یا با سوءاستفاده از فرصت‌هایی که منتهی به ظاهر قانونی در اختیار آنان می‌گذارد، سهم دیگران را به نفع خویش تصاحب می‌کنند و با کسب درآمدهای هنگفت، فرصت‌های کمیاب بعدی را نیز نصیب خود می‌سازند. دوام ساختار نابرابر اجتماعی نیز جز با ادامه نقض قانون و سوءاستفاده از موقعیتی که نوعاً در اختیار طبقات بالای اجتماعی است و از آن طریق قانون‌گذاران و مجریان قانون را نیز رام و همراه می‌سازند، میسر نیست. وجود تبعیض در ذات قانون و در اجرای خود، زمینه‌های بی‌اعتمادی به قانون و رواج «قانون‌گریزی عاملانه» و «قانون‌شکنی معترضانه» در میان اقشار آسیب‌دیده از چنین شرایطی را پدید می‌آورند (شجاعی زند، ۱۳۷۹: ۳۲-۳۴).

۲-۵ بیکاری و درآمد پایین

بیکاری و درآمد پایین افراد جامعه نیز از عوامل مهم و تأثیرگذار بر قانون‌گریزی و فقدان قانون‌پذیری در هر جامعه‌ای است. «در تحقیق انجام شده در مورد میزان عدم اطاعت از قانون مشخص شده است که نسبت مخالفت با عدم اطاعت از قانون در

گروه پردرآمد ۳۰/۸ درصد است که این نسبت در گروه کم‌درآمد به ۲۳/۲ درصد تقلیل می‌یابد (محسنی، ۱۳۷۸: ۴۲). در حقیقت این نشان می‌دهد افرادی که از درآمد بیشتری برخوردارند بیشتر از دیگران قانون را رعایت می‌کنند. هرچند که در این میان استثنائاتی هم وجود دارد. برای مثال، کسانی که پول برایشان ارزش نداشته باشد و از طرف دیگر احساس ناکامی و دل‌سردی کنند، بیشتر گرایش به رفتار قانون‌گریزی مثل پرداخت رشوه خواهند داشت. در مجموع می‌توان گفت که افراد با درآمد پایین و بیکار به دلیل فشارهای مختلفی که بر آنها وارد است حتی از خودکنترلی پایینی برخوردارند و در موارد بسیار قانون‌گریزی از نظرشان تنها راه چاره است. در عین حال برخی جرایم (مثل جرایم یقه‌سفیدان) نشان می‌دهد که قانون‌گریزی تنها به افراد با درآمد پایین تعلق ندارد (علی‌بابایی و فیروزجائیان. همان: ۴۰). از دیدگاه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بیکاری یکی از ریشه‌های مهم بزهکاری و کج‌روی افراد یک جامعه است. بیکاری موجب می‌شود که افراد بیکار جذب قهوه‌خانه‌ها، کافی‌شاپ‌ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامان انواع کج‌روی‌های اجتماعی کشیده شوند. علاوه بر این، چون بیکاری زمینه‌ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می‌زنند؛ چراکه فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید. از نظر چنین فردی، بزهکاری به ظاهر معقول‌ترین و بهترین راه‌هاست. حاصل تحقیقات صورت

گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بیکاری و فقر بر افزایش بزهکاری دارد.

۵-۳ فقر و مشکلات معیشتی

در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی کافی خانواده‌ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه‌ساز بروز دل‌زدگی، سرخوردگی، ناراحتی‌های روحی، دل‌مشغولی، افسردگی و انزوایابی را در فرزندان فراهم می‌سازد. این امر موجب می‌شود تا این افراد برای التیام ناراحتی‌های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری‌ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می‌زنند. از سوی دیگر، امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان‌آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیرمجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم‌توجهی آنان نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آنها گردیده است.

۶- عوامل حقوقی مؤثر بر

قانون‌گریزی در جامعه

۱-۶ در مرحله تقنین

۱-۱-۶ وضع قوانین ضعیف

اگر قانون‌گذاران که نمایندگان واقعی مردم هستند و بنا به خواست و اراده مردم انتخاب شده‌اند، در وضع قوانین جاری کشور دقت و اهتمام لازم را نداشته باشند؛



کاری فرمان دهد که مردم نیز آن را نیکو می‌شمارند و عادت‌ها را تهی کند که وجدان عمومی هم از آن گریزان است (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۶۵).

قانون‌گذار نباید قانونی را وضع کند که با اخلاق عمومی و اهمیت طبیعی و عادی اشیا مغایرت داشته باشد. در غیر این صورت مردم از اجرای قانونی که مخالف اخلاق حسنه عموم باشد احتراز می‌نمایند (منتسکیو ۱۳۷۰: ۸۷۸)؛ بنابراین اگر قوانین با واقعیات و اخلاقیات حاکم بر جامعه مطابقت نداشته باشند مورد پذیرش افراد جامعه قرار نمی‌گیرد؛ در واقع هر چه فاصله قوانین با واقعیات و اخلاقیات جامعه بیشتر باشد به همان نسبت مردم از قوانین گریزانند.

۲-۶- در مرحله اجرا

۲-۶-۱- نداشتن ضمانت اجرایی بازدارنده

وضع قوانین بدون داشتن ضمانت اجرایی قابل قبول و مجازات‌های متناسب و مطابق با میزان خسارت وارده در صورت عدم اجرای آن قوانین، عملاً نتایج ناامیدکننده‌ای در بر خواهد داشت. ممکن است خود قانون از لحاظ ماهیتی با ارزش و پیش‌گیرنده باشد؛ اما وقتی مجری قانون پشتوانه محکمی برای اجرای آن در نظر نگرفته باشد، به‌طور طبیعی، افراد آن قوانین را نادیده گرفته و یا اهمیت زیادی برای آنها قائل نخواهند بود. هر مقدار اجرای قانون جدی‌تر گرفته شود، مردم نیز خود را برای پیروی از آن آماده‌تر می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به قوانین راهنمایی و رانندگی اشاره کرد که به دلیل نبودن ضابطین اجرایی به تعداد کافی و عدم وجود امکانات پیشرفته برای ثبت تخلفات و نیز متناسب نبودن مبلغ جرایم با نوع

گریز از اجرا را برای افراد جامعه فراهم می‌کنند و هر فردی با قرائت خاص، خود را از قلمرو و شمول چنین قانونی مستثنا می‌کند؛ برای جلوگیری از قانون‌گریزی در جامعه باید کوشید تا قوانین روشن و ساده باشند. اجمال قوانین چون بهانه‌ای برای تفسیر فراهم می‌کند مسلماً زیان‌بار است و این زیان بیشتر خواهد بود اگر قوانین به زبان دیگری که مردم با آن بیگانه‌اند نوشته شده باشد؛ به بیان دیگر هر اندازه کسانی که قوانین را می‌فهمند بیشتر باشند، همان‌قدر از میزان جرایم کاسته می‌شود. انشا و مضمون قوانین باید به قدری صریح و ساده و شفاف باشند که افراد جامعه بتوانند به سادگی به مفهوم آن پی ببرند. شواهد تاریخی گویای این واقعیت است که الواح دوازده‌گانه روم واجد چنین خصیصه مهمی بوده است؛ به گونه‌ای که تمام اطفال رومی آن را فرا گرفته و حفظ می‌کردند. از دیدگاه منتسکیو انشای قانون باید ساده باشد و شخص برای دریافتن معنی آن محتاج تفکر نگردد و تا آنجا که منعکس است از استعمال کلمات پرمطراق و عناوین بزرگ و کوچک در ضمن قانون اکیداً احتراز گردد (پوراحمدی، ۱۳۸۳: ۴۱ - ۴۲).

۲-۶-۳- عدم مطابقت قوانین با واقعیات و اخلاقیات جامعه

یکی دیگر از عوامل قانون‌گریزی در جامعه مطابقت نداشتن قوانین با اخلاقیات و واقعیات حاکم بر جامعه است. اگر قوانین با اخلاقیات و واقعیات جامعه مطابقت نداشته باشد مردم به طرق مختلف، از اجرای این قوانین سربلایی می‌کنند. قانون‌گذار خواه‌وناخواه از نفوذ اخلاق محیط خود مصون نیست و ناچار است که برای حفظ نظم و تأمین اجرای قانون قواعد اخلاقی جامعه را رعایت کند؛ یعنی تا حد امکان به

باعث تصویب قوانین ضعیف که کارایی لازم را در جامعه ندارد خواهند شد. وقتی مردم مشاهده کنند که قانون برای گروه خاصی امتیازات خاصی قائل می‌شود و دیگران از آن بی‌نصیب‌اند پس اعتنایی به آن نمی‌کنند. قانون تبعیض‌آمیز به درد مردم نمی‌خورد و مردم از آن گریزان‌اند. قانونی که چندین سال پیش کاربرد داشت و مفید هم واقع می‌شد، نه تنها ممکن است با توجه به شرایط فعلی جامعه و تغییر و تحولات ایجاد شده دیگر کارایی نداشته باشد، بلکه می‌تواند باعث دردسر و زحمت مردم گردد. سرعت حیرت‌آور تغییر و تحول در شرایط زندگی، پیشرفت روزافزون تکنولوژی، بالا رفتن سطح آگاهی افراد، پویایی و تغییر قوانین را غیر قابل اجتناب می‌کند. طبیعی است که قوانین باید در راستای پیشبرد اهداف مترقی و منطقی یک جامعه وضع شوند و هرگونه رنگ و بوی غیرواقع‌بینانه و خلاف مصالح و منافع ملی در قوانین باعث می‌شود روند اجرای آنها توسط مردم رو به سردی گراید و قانونی بدون کارشناسی و بررسی تبعات و نتایج آن وضع شود و وقتی به مرحله اجرا درآمد مشخص گردد که آیا آن قانون خوب بوده یا خیر. تغییرات مکرر مقررات و الصاق تبصره‌های عجولانه و بعضاً متناقض به بدنه قوانین سبب می‌شود مردم در سردرگمی فرو روند و نسبت به اجرای آن قوانین دچار تردید شوند.

۲-۶-۲- مبهم و مجمل بودن و همه فهم نبودن قوانین و مقررات

یکی از عوامل قانون‌گریزی در کشور وجود قوانین مبهم و مجمل است؛ هنر قانون‌گذار خوب این است که قوانین را به‌طور شفاف و عاری از هر نوع ابهام تصویب نماید، قوانینی که فاقد چنین ویژگی‌ای هستند زمینه

جرائم ارتكابی، بعضاً از طرف رانندگان نادیده انگاشته شده و سالیانه باعث به وجود آمدن خسارات مالی و جانی فراوان می‌گردد. در حالی که برخی از کشورها برای تخلفاتی که باعث تهدید جانی دیگر اتومبیل‌ها می‌شود، مجازات‌های مالی بسیار سنگین و حبس در نظر گرفته‌اند، در انگلیس جریمه ۵۰۰۰ پوندی، همراه مجازات حبس در انتظار رانندگانی است که حداکثر ظرف ۲۴ ساعت از وقوع تصادف از صحنه گریخته و موضوع را از پلیس مخفی می‌کنند. علاوه بر این، سرعت غیرمجاز هم در انگلیس جریمه هزار پوندی دارد. در نیویورک داشتن سرعت غیرمجاز هنگام رانندگی ۴۵ تا ۶۰۰ دلار جریمه دارد و اگر این تخلف حوالی مدارس انجام شود مشمول ۹۰ تا ۱۲۰۰ دلار جریمه می‌شود. در آلمان وقتی پلیس راننده‌ای را شناسایی می‌کند که با سرعت غیرمجاز می‌راند، نه تنها وی را جریمه می‌کند، بلکه اعتبار گواهینامه‌اش را به مدت یک سال لغو می‌کند. در این کشور فقط کافی است راننده‌ای طی دو سال، یک بار مرتکب هر کدام از سه تخلف عبور از چراغ قرمز، سرعت غیرمجاز و رعایت نکردن فاصله مناسب با خودروی جلویی شود تا گواهینامه رانندگی‌اش باطل شود. در کشور ما قانون‌گذار به چندین هزار تومان جریمه بسنده کرده است.

۶-۲-۲- گریز از قانون با توسل به حیل قانونی

یکی از عوامل قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در جامعه ما استفاده ناروا از ابزار موسوم به حیل قانونی است. در بعضی از موارد چون افراد نمی‌توانند مستقیماً از اجرای قانون شانه خالی کنند، دست به حيله و نیرنگ می‌زنند و برای بی‌اثر کردن قانون راه‌گریزی ایجاد می‌کنند. این شیوه را

در اصطلاح حقوق موضوعه پدیده تقلب نسبت به قانون و حیل قانونی می‌گویند. اگر متوسل به چنین شگردی در مقابل محدودیت‌های ناشی از مقررات مذهبی باشد در عرف ما به کلاه شرعی معروف می‌باشد (کاشانی، ۱۳۵۴: ۱).

مراد از تقلب نسبت به قانون و حیل قانونی این است که انسان با استفاده از یک وسیله حقوقی و صحیح خود را از قید قانون خلاص کند. در برخی از موارد وقتی افراد احساس می‌کنند که به طور آشکار و مستقیم نمی‌توانند خود را از یک منع قانونی که در مقابلشان است رها سازند با توسل به حيله و نیرنگ از اجرای این قانون فرار می‌کنند و با استفاده از یک وسیله صحیح قانونی به یک هدف نامشروع می‌رسند؛ به عنوان مثال کسی که قانوناً از شرکت در یک مزایده ممنوع است با استفاده از نام شخص دیگر در این مزایده شرکت می‌کند.

۶-۳-۱- ناکارآمدی ابزارهای قضایی در مرحله نظارت

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در حوزه قانون‌گریزی باید مورد توجه قرار گیرد چگونگی کارکرد ابزارهای قضایی است. اگر این نهادها و ابزارها به درستی عمل کنند، می‌توانند در جامعه تأثیرگذار باشند؛ منظور ما در این مورد، بیشتر ابزارهایی است که در تنبیه قانون‌شکنان مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مثلاً آیا جریمه‌های رانندگی برای تنبیه رانندگان متخلف کافی است؟ و یا جریمه‌هایی که برای مجازات قاچاقچیان کالا در نظر گرفته شده است، کافی است؟ اگر کافی است، پس چرا هنوز شاهد قانون‌گریزی در این حوزه‌ها هستیم. هر چه قدر ابزارهای اجرایی شدن قانون قوی‌تر باشند به همان

نسبت شاهد کمترین مقدار قانون‌شکنی هم خواهیم بود.

۶-۳-۲- ناکارآمدی نهادهای تشخیصی

زندگی در اجتماع، هر فردی را در مقام تجربه کارآمدی یا ناکارآمدی نهادهای کنترل اجتماعی قرار می‌دهد. به عنوان مثال، عبور غیرمجاز از خیابان یک طرفه یا چراغ قرمز بدون آنکه فرد شناسایی و در نهایت تنبیه شود، امکان تکرار عمل را افزایش می‌دهد. در چنین موقعیتی نه تنها تنبیهی متوجه فرد قانون‌گریز نیست، بلکه پیامد مثبت و سودمندی هم برای وی به بار می‌آورد. گاهی اوقات ناکارآمدی نهادهای تشخیصی با توانایی افراد در پنهان‌سازی عمل خویش همراه شده و باعث بروز قانون‌گریزی می‌شود. به عنوان مثال تا قبل از تصویب قانون جرایم رایانه‌ای و ایجاد پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات، کاربرانی در فضای مجازی بودند که اقدام به کلاهبرداری‌هایی در فضای مجازی می‌کردند و غالباً بدون شناسایی و مجازات کار خود را با موفقیت انجام می‌دادند؛ یعنی در واقع از نبود نهاد تشخیصی در این خصوص سودجویی می‌کردند.

۶-۳-۳- ناکارآمدی نهادهای مجازات‌دهی

دو عامل تنبیه، تشویق و میزان آن در درونی‌سازی امر قانونی تأثیر بسیاری دارد. صرفاً تشخیص امر غیرقانونی کافی نیست. کارآمدی نهادهای قضایی قدرت چانه‌زنی قانون‌گريزان را کاهش می‌دهد. افرادی که احساس کنند پس از شناسایی قانون‌گریزی به طور قطع تحت تعقیب قرار خواهند گرفت و پس از آن متناسب با عمل خود تنبیه خواهند شد، التزام بیشتری به اجرای قانون خواهند داشت.



برآمد

با توجه به مطالب بیان شده در این تحقیق، قانون به مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها، روش‌ها و چگونگی انجام اموری تلقی می‌شود که از سوی مجموعه‌ای از افراد، مؤسسات و یا مجموعه‌ای که دارای صلاحیت این امر می‌باشند تدوین می‌شود. وجود قانون در یک جامعه باعث ایجاد نظم خواهد شد. این نظم به این دلیل می‌باشد که قانون برای همه افراد جامعه از خود قانون‌گذار تا پایین‌ترین سطح از افراد جامعه لازم‌الاجرا می‌باشد و همه ملزم به رعایت آن می‌باشند. درواقع همه‌گیری قانون است که سبب بروز این نظم در اجتماع می‌شود. با توجه به عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی و اثر آن بر امنیت اجتماعی مشخص گردید که قانون‌گریزی و عدم التزام افراد به قانون اثراتی خواهد داشت که مستقیماً در جامعه مشهود می‌باشد. یکی از مهم‌ترین اثرات قانون‌گریزی افزایش جرایم در جامعه است و به تبع آن کاهش امنیت اجتماعی می‌باشد. متأسفانه علت اصلی ازدیاد پرونده‌های قضایی و افزایش ورودی زندان‌ها، درست اجرا نشدن قانون در جامعه و عدم التزام مردم به اجرای قانون می‌باشد. از سوی دیگر چون قانون‌گرایی، به اصالت قانون و اصول قضایی و حقوقی در روابط بین مردم و دولت و فی‌مابین خود مردم معتقد است، ارتباط تنگاتنگی بین عمل به قانون و مردم جامعه وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که هر چه میزان التزام مردم به رعایت قانون بیشتر باشد، نشان‌دهنده اصالت قانون و حاکمیت آن در جامعه خواهد بود. مقصود از قانون‌گرایی، حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه و رعایت حقوق همه افراد جامعه است؛ بنابراین جامعه‌ای قانون‌مدار و قانون‌گرا محسوب می‌شود که قوانین در آن کاملاً رعایت شود و همه آحاد جامعه در برابر قانون مساوی بوده و رهبران آن قانون‌پذیرترین افراد جامعه می‌باشند. امنیت اجتماعی در هر جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا دوام و قوام هر جامعه به حفظ امنیت اجتماعی بستگی دارد. امنیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی در جامعه هم میسر نخواهد بود، مگر اینکه هنجارهای تعریف شده جامعه یا قوانین، مورد احترام افراد واقع شود. حال از طرفی اگر در جامعه‌ای قانون‌گریزی وجود داشته باشد پیامدهای فراوانی به دنبال خواهد داشت؛ زیرا سرپیچی از قانون موجب می‌شود مردم به هنجارشکنی عادت کرده و الگوی عمل آنان بر پایه ناهنجاری قرار گیرد. این پدیده جامعه را بیمار و آسیب‌ها و هزینه‌های فراوانی را بر پیکره آن وارد می‌کند و باعث اختلال در امنیت اجتماعی می‌شود. با تداوم این وضعیت، سرمایه‌های اجتماعی جامعه بهره‌وری بسیار پایینی خواهند داشت و جامعه به توسعه و پیشرفت نخواهد رسید بلکه در حالت نابسامانی و آشوب باقی خواهد ماند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی. قم. انتشارات تابان، چاپ چهارم. ۱۳۹۰
- ۲- افشاری، رضا، «بررسی میزان گرایش به قانون و عوامل مؤثر بر آن مورد»، کارکنان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان. دانشگاه آزاد اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، ۱۳۷۸
- ۳- پوراحمدی لاله، محمدرضا، تأملی بر عوامل قانون‌شکنی و راه‌های مقابله با آن، ماهنامه دادرسی شماره ۴۳، ۱۳۸۳
- ۴- حق‌شناس، علی‌محمد، «پیگانگی اجتماعی بستر بی‌قانونی»، در معماری حاکمیت قانون در ایران، عباس عبدی (ویراستار). تهران: طرح نو، ۱۳۷۸
- ۵- خلف خانی، مهدی، «فساد اداری»، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم، ۱۳۸۸
- ۶- سزار، بکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، مترجم دکتر محمدعلی اردبیلی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۰
- ۷- شجاعی زند، علی‌رضا، «نظم ستیزی و قانون‌گریزی»، امنیت، مرداد و شهریور، شماره ۲۱-۲۰، ۱۳۷۹
- ۸- صداقت، کامران، «بررسی نقش عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان تبریز»، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴
- ۹- عبدی، عباس، «نارسایی‌های قانون و حقوق در فرهنگ عمومی»، در معماری حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو، ۱۳۸۱
- ۱۰- علی‌بابایی، یحیی و فیروزجانیان، علی‌اصغر، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی، فصلنامه دانش انتظامی. سال یازدهم. شماره چهارم، ۱۳۸۸
- ۱۱- قادری، حاتم، «تبارشناسی یک مشکل، در معماری حاکمیت قانون در ایران»، عباس عبدی (ویراستار)، معماری حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو، ۱۳۸۱
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، چاپ شانزدهم، شرکت انتشار، ۱۳۷۳
- ۱۳- کاشانی، سید محمود، نظریه تقلب نسبت به قانون، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه ملی، ۱۳۵۴
- ۱۴- کلمن، جیمز، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشرنی، ۱۳۷۷
- ۱۵- محسنی، منوچهر، بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸
- ۱۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷
- ۱۷- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۳
- ۱۸- منتسکیو، روح القوانين، ترجمه علی اکبرمهدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۰